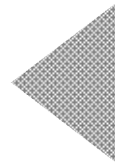


## رویکرد حق محور به توسعه<sup>۱</sup>



### مهدی فیروزی<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت ۹۸/۴/۲ - تاریخ تصویب ۹۸/۴/۱۳)

### نوع مقاله: علمی پژوهشی

### چکیده

توسعه با هدف تحول در باورهای فرهنگی و نهادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ارتقاء سطح رفاه جامعه و ارضای مادی و معنوی انسانها، به عنوان یک حق بشری و تحت عنوان «حق بر توسعه» مطرح گردیده است. رویکرد حق محور به توسعه، ریشه در دوران تاریخی استعمارزدایی و دهه ۱۹۶۰ میلادی دارد اما با تصویب «اعلامیه حق بر توسعه» در ۴ دسامبر ۱۹۸۶ در قالب قطعنامه ۴۱/۱۲۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، شناسایی این حق وارد مرحله جدیدی شد. پس از آن نیز اسناد متعدد دیگری این حق را به رسمیت شناخته‌اند. با این حال اسنادی که این حق را مورد شناسایی قرار داده‌اند، لازم‌الاجرا نبوده و از ضمانت اجرای کافی برخوردار نیستند؛ لذا این حق نتوانسته است از سطح حقوق نرم فراتر رود. این مقاله به دنبال یافتن پاسخ این سؤال است که در صورت شناسایی این حق در اسناد لازم‌الاجرای بین‌المللی، چه آثاری بر این حق مترتب خواهد بود؟

۱- این مقاله برگرفته از پروژه‌ای است که نویسنده در پژوهشکده فقه و حقوق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی آنرا به انجام رسانیده است.

۲- عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی m.firouzi@isca.ac.ir

مفروض مقاله بر آن است که شناسایی این حق می‌تواند زمینه‌ساز تحقق کلیه حقوق به رسمیت شناخته شده برای بشر اعم از حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین سایر حقوق همبستگی باشد.

برای ارزیابی این فرضیه، با تکیه به روش اسنادی و تجزیه و تحلیل مقررات بین‌المللی، در ابتدا نگاهی به چگونگی ورود مفهوم توسعه به ادبیات حقوق بشری خواهیم کرد و سپس با استفاده از این بحث، آثاری که رویکرد حق محور به توسعه می‌تواند در اعتلای حقوق بشر و تحقق آن داشته باشد، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

**واژگان کلیدی:** توسعه، حقوق بشر، نسل‌های حقوق بشر، نسل سوم حقوق بشر، حقوق همبستگی، حق بر توسعه.

## مقدمه

امروزه اهمیت و جایگاه توسعه و جنبه‌های مختلف آن یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث محافل علمی و بین‌المللی و یکی از مفاهیم اساسی مطرح در علوم اجتماعی است. از توسعه به عنوان فرآیندی یاد شده که زمینه شکوفایی استعداد و پیشرفت همه جانبه زندگی انسان را در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌آورد تا انسان در سایه این پیشرفت بتواند از آزادی و امنیت برخوردار شده و به زندگی شرافتمندانه در مسیر رشد و کمال مادی و معنوی خود ادامه دهد. بنابراین، هدف توسعه، تحول در باورهای فرهنگی و نهادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ارتقاء سطح رفاه جامعه و ارضای مادی و غیرمادی انسان‌ها است. با توجه به شرایط ناگواری که در برخی از کشورهای جهان از حیث توسعه نایافتگی وجود دارد و نقش مهم و آثاری که توسعه می‌تواند در بهبود و ارتقای زندگی بشر ایفا کند، اندیشمندان تلاش کرده‌اند، با رویکردی حق محور به توسعه، به بهبود و تسریع مسیر پیشرفت و توسعه کشورها کمک نمایند. این رویکرد معتقد است که تحقق کلیه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در ظرف توسعه امکان‌پذیر است. به عبارت دیگر، توسعه حق محور، فرآیندی است که در آن تمام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تحقق می‌یابد.

نظر به اهمیت این رویکرد و آثار مهمی که می‌تواند به دنبال داشته باشد، در چند محور این موضوع مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

## ۱- تحلیل مفاهیم

### ۱-۱- حق

مفهوم «حق»<sup>۱</sup> یکی از واژگان پرکاربرد در عرصه‌های دین، اخلاق، حقوق و سیاست است که در مجموع در دو معنا و مفهوم کلی «حق بودن»<sup>۲</sup> و «حق داشتن»<sup>۳</sup> به کار می‌رود. حق در کاربرد اول به معنای راست و درست، در مقابل باطل و نادرست قرار می‌گیرد. بنابراین هنگامی که گفته می‌شود امری حق است، به آن معناست که آن امر، راست و صحیح است یا غلط و باطل نیست. در واقع حق در چنین معنایی، در حوزه مربوط به ارزش‌ها (خوب‌ها و بدها) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و «حق بودن» در معنای ارزشی آن به معنای «خوب بودن» است. در نتیجه، حق در این مفهوم، دلالت بر کاری درست و به‌جا یا انجام کارِ درستی دارد؛ از این رو می‌گوییم که «کمک کردن به نیازمندان کار به‌جا و درستی است» یا «دروغ، کلاهبرداری و سرقت نادرست است» که در این مفهوم، حق به معنی «درست» می‌باشد (نک: گلدینگ، ۱۳۷۸، ۲۶۴-۲۶۳).

حق در کاربرد دوم به معنی «حق داشتن» است که در مقابل «تکلیف» قرار می‌گیرد. این معنا همان است که امروزه محور مباحث حقوق بشر و اسناد بین‌المللی حقوق بشری می‌باشد که اشاره به امتیاز و استحقاق ویژه‌ای است که فرد نسبت به برخی از افراد و اشیاء دارد. در این مفهوم، حق نوعی «امتیاز» می‌باشد (در این باره نک: دانلی، ۱۳۸۰، ۷۴؛ گلدینگ، ۱۳۷۸، ۲۶۴-۲۶۲؛ قاری سیدفاطمی، ۱۳۹۰، ج ۱، ۴۱).

گرچه کاربرد معنای حق در معنای اول، یعنی ترکیب «حق بودن»، دارای پیشینه‌ای طولانی در اندیشه بشری است اما اصطلاح حق در معنای دوم، یعنی کاربرد «حق داشتن»، چنین سابقه‌ای ندارد. با این حال، در حقوق معاصر، معنای دوم، بیش‌ترین کاربرد را پیدا کرده است. آنچه موضوع و محور این نوشتار است، کاربرد دوم واژه حق، یعنی «حق داشتن» است. در ادبیات حقوقی، حق نوعی اقتدار، سلطه و امتیاز است که برای شخصی اعتبار می‌شود که دیگران مکلف به رعایت آن هستند (مدنی، ۱۳۷۴، ۲۵). از این رو، برای تنظیم روابط مردم و

۱- Right.

۲- To be Right.

۳- To have Right.

حفظ نظم در اجتماع، حقوق برای هرکس امتیازهایی را در برابر دیگران می‌شناسد و توان خاصی به او می‌بخشد. این امتیاز و توانایی را «حق» می‌نامند که جمع آن حقوق است (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ۲)؛ مانند حق حیات، حق مالکیت، حق ازدواج، حق نفقه، حق طلاق. بنابراین، «حق»، امتیاز و نفعی است متعلق به شخص که حقوق هر کشور، در مقام اجرای عدالت، از آن حمایت می‌کند و به او توان تصرف در موضوع حق و منع دیگران از تجاوز به آن را می‌دهد» (همو، ۱۳۷۷، ۳۷۴).

## ۱-۲- توسعه

«توسعه»<sup>۱</sup> مفهومی کلیدی در علوم اجتماعی است که موضوعات گوناگونی را در اندیشه و رفتار جوامع، در ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، در بر می‌گیرد (موثقی، ۱۳۸۳، ۲۲۳).

تعاریف گوناگونی از توسعه ارائه شده است؛ از جمله «فریدمن»<sup>۲</sup> در بیان تعریف توسعه می‌گوید: «توسعه، یک روند خلاق و نوآوری برای ایجاد تغییرات زیربنایی در سیستم اجتماعی می‌باشد» (نقل از: قره باغیان، ۱۳۷۳، ج ۱، ۷).

«پراساد میسرا»<sup>۳</sup> اقتصاددان هندی، توسعه را این گونه تعریف می‌کند: «توسعه به عنوان یک مفهوم متعالی، دستاورد بشری و پدیده‌ای چندبُعدی است و فی نفسه یک مسلک (ایدئولوژی) به حساب می‌آید. توسعه به دلیل این که دستاورد انسان محسوب می‌گردد، در محتوا و نمود، دارای مختصات فرهنگی است و بر تحول ارگانیک دلالت دارد. هدف از توسعه، ایجاد زندگی پر ثمره‌ای است که توسط فرهنگ تعریف می‌شود. بنابراین، توسعه، دست‌یابی فزاینده انسان به ارزش‌های فرهنگی خود است». در این برداشت از توسعه، چند نکته وجود دارد، اول این که توسعه یک فرایند است نه وضع ایستا؛ دوم این که این فرایند در نهایت به ارزش‌ها مربوط می‌شود و سومین نکته این است که این ارزش‌ها، ارزش‌های مردمانی است که تعلق به جهان غرب یا هر جهان دیگری ندارد (نقل از: نظرپور، ۱۳۷۸، ۲۴-۲۳).

۱- Development.

۲- Freidman.

۳- Prasda Misra.

«مایکل تودارو»<sup>۱</sup> درباره توسعه معتقد است: «توسعه، جریانی است چند بُعدی که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع در رشد اقتصادی، کاهش نابرابری‌ها و ریشه کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی «بهتر» است، سوق می‌یابد» (تودارو، ۱۳۶۶، ج ۱، ۲۳).

«میردال»<sup>۲</sup> نیز معتقد است: «توسعه به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر یا انسانی‌تر است» (نقل از: نراقی، ۱۳۷۰، ۳۱).

برخی از نویسندگان معاصر کشورمان نیز توسعه را این گونه معرفی می‌کنند: «توسعه عبارت است از فرایندی که با طرح آن، باورهای فرهنگی، نهادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به صورت بنیادین متحول می‌شود تا با ظرفیت‌های شناخته شده جدید متناسب گردد» (عظیمی، ۴۲، نقل از: خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۳، ۲۲).

آنچه از تعاریف فوق به دست می‌آید، نشان‌گر این است که اولاً توسعه منجر به تغییر و تحول در کلیه شئون و عرصه‌های حیات اجتماعی می‌شود. ثانیاً توسعه فقط جنبه‌های مادی و اقتصادی زندگی انسان را شامل نمی‌شود، بلکه یک پدیده همه جانبه است که کلیه عرصه‌های حیات انسانی، همچون فرهنگ و سیاست را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو، برخی معتقدند که برای درک معنای درونی توسعه باید حداقل سه ارزش اصلی به عنوان پایه فکری و رهنمود عملی در نظر گرفته شود. این ارزش‌ها به نیازهای اساسی انسان مربوط می‌شود و تقریباً در تمام جوامع و فرهنگ‌ها و در تمام زمان‌ها خود را متجلی می‌سازد. اولین ارزش، معاش زندگی است. اگر تأمین نیازهای «تداوم بخش زندگی» مانند غذا، مسکن، بهداشت و امنیت وجود نداشته باشد، به حتم عقب‌ماندگی مطلق و توسعه نیافتگی حاکم خواهد بود.

دومین ارزش، اعتماد به نفس، احساس شخصیت کردن، عزت نفس داشتن و ابزار دیگران قرار نگرفتن است. تمام مردم و جوامع به دنبال نوعی اعتماد به نفس هستند؛ اگرچه ممکن است به

۱- M. Todaro.

۲- Myrdal.

طور صحیح آن شخصیت، مقام، احترام، افتخار و استقلال بنامند. شکل اعتماد به نفس ممکن است از یک جامعه به جامعه دیگر یا از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر تغییر یابد. سومین و آخرین ارزش همگانی که معنای توسعه را تشکیل می‌دهد، آزادی است. منظور از آزادی در اینجا، آزادی سیاسی یا عقیده نیست؛ بلکه منظور رهایی از شرایط مادی از خود بیگانه‌کننده زندگی و آزادی از قیود اجتماعی انسان نسبت به طبیعت، جهل، بدبختی و نیز آزادی از انسان‌های دیگر، نهادها و باورهای جزمی است. آزادی دامنه انتخاب را برای جوامع و اعضای آن می‌گسترده و محدودیت خارجی را در راه حصول پاره‌ای از هدف‌های اجتماعی که ما آن را توسعه می‌نامیم، به حداقل می‌رساند (تودارو، ۱۳۶۶، ج ۱، ۱۳۸-۱۳۶).

بنابراین، اگر واژه توسعه را گذار از مرحله‌ای به مرحله دیگر معنی کنیم، در آن صورت، در مفهوم توسعه، سه واژه کلیدی «تحول»<sup>۱</sup> یا فرایند تغییر در یک دوره طولانی مدت و «تغییر»<sup>۲</sup> یا فرایند تغییر قابل اندازه‌گیری در یک دوره کوتاه مدت و «پیشرفت»<sup>۳</sup> یا روند پویای حرکت و تغییر رو به جلو در گذر زمان، نهفته است (الیوت، ۱۳۷۸، مقدمه مترجمان، چ).

از آنچه در بیان مفهوم توسعه بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که:

۱. انسان موضوع و هدف اصلی و نهایی توسعه است؛
۲. توسعه، فرایندی است که سبب شکوفایی کامل توانایی‌های ذاتی انسان می‌شود؛
۳. توسعه، فرایندی همه جانبه و دارای ابعاد گوناگون است؛
۴. زندگی شرافتمندانه همراه با صلح، امنیت و آزادی جهت نیل به رشد و کمال مادی و معنوی انسان‌ها در گرو تحقق توسعه است.

### ۱-۳- حق بر توسعه

با تبیین مفهوم «حق» و «توسعه» معلوم می‌شود که اصطلاح «حق بر توسعه»<sup>۴</sup> از تلفیق و پیوند دو مفهوم مهم و اساسی «توسعه» و «حقوق بشر» پدید آمده است؛ بدین معنی که برخورداری از مواهب توسعه، حقی در عداد سایر حقوق شناخته شده برای بشر است.

۱- Evolution.

۲- Change.

۳- Progress.

۴- Right to Development.

تعریف جامع از حق بر توسعه را باید در اسناد بین‌المللی جست‌وجو کرد. بند ۱ ماده ۱ «اعلامیه حق بر توسعه»<sup>۱</sup> بیان می‌کند: «حق بر توسعه یک حق غیرقابل سلب بشری است که بر اساس آن، هر فرد انسان و همه ملت‌ها، استحقاق مشارکت، سهم شدن و بهره‌بردن از توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را در قالبی که همه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی قابلیت تحقق داشته باشد را دارند» (See: Bantekas, 2002, PP. 326-329).

این ماده، سه اصل را برای حق بر توسعه ذکر می‌کند: اول این که، یک حق بشری به نام «حق بر توسعه» وجود دارد که این حق را نمی‌توان سلب کرد؛ دوم این که، فرآیند خاصی از توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی وجود دارد که بر اساس آن همه «حقوق بشر» و «آزادی‌های اساسی» که در اسناد بین‌المللی آمده‌اند، می‌توانند کاملاً تحقق یابند؛ و سومین اصل بیان‌گر این نکته است که حق بر توسعه، یک حق بشری است که به موجب آن هر فرد انسان و همه ملت‌ها استحقاق مشارکت، سهم شدن و برخوردارگی از آن فرآیند خاص توسعه را دارند که در این صورت، حق نسبت به چنین فرآیندی از توسعه، به صورت دعاوی یا مطالبه دارندگان این حق جلوه می‌کند که صاحبان تکلیف باید آن را صیانت و تقویت نمایند (سنگوپتا، ۱۳۸۳، ۱۹۱).

بنابراین، بر اساس ماده ۱ اعلامیه، صاحبان حق در حق بر توسعه، هم «افراد» و هم «ملت‌ها» هستند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، این ماده هم به بعد «فردی» و هم به بعد «جمعی» این حق اشاره دارد (در این باره نگاه کنید: صلح‌چی و درگاهی، ۱۳۹۲، ۱۵۱). با این حال برخی از حقوق‌دانان، با ارائه تحلیلی تلاش می‌کنند حقوق همبستگی یا حقوق جمعی، از جمله حق بر توسعه را، به حقوق فردی فرو کاهند و از ماهیت جمعی حقوق نسل سوم، حقوق فردی استنتاج کنند (تسون، ۱۳۸۸، ۲۶۳) اما محمد بجاوی بدون آن که جنبه دوگانه حق بر توسعه را رد کند، معتقد است که این مسأله حائز اهمیت نیست؛ چرا که هم‌زمان دولت و فرد می‌توانند ذی‌نفع و ذی‌حق توسعه قلمداد شوند. البته آقای بجاوی معتقد است که حق بر توسعه تا زمانی که به عنوان حق دولت‌ها و ملت‌ها جایگاه مستحکمی در حقوق بین‌الملل به دست نیاورده است، نمی‌تواند به عنوان یک حق فردی از استحکام کافی برخوردار باشد؛ چرا که در حقوق بین‌الملل امروز،

<sup>۱</sup>- Declaration on The Right to Development, 4 December 1986.

سازکارهای لازم برای اجرایی کردن حق فردی توسعه، به اندازه کافی گسترش نیافته است (نقل از: مولایی، ۱۳۸۱، ۵۵).

از سوی دیگر، اعلامیه حق بر توسعه، در باره صاحبان تکلیف در این حق، هم از «افراد» و هم از «دولت‌ها» و هم از «جامعه بین‌المللی» نام می‌برد. علاوه بر مقدمه، ابتدا در بند ۲ ماده ۲، به مسئولیت تمامی افراد در تحقق کلیه حقوق شناخته شده برای بشر از جمله حق بر توسعه اشاره می‌کند و مقرر می‌دارد که همه آحاد بشر، چه به صورت انفرادی و چه جمعی، مسئولیت تأمین حق بر توسعه و نیز تکالیف خود در قبال جامعه را همراه با احترام کامل به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بر عهده دارند.

همچنین ماده ۳ اعلامیه حق بر توسعه نیز دولت‌ها را مکلف در حق بر توسعه معرفی کرده است. در بند ۱ ماده ۳ مقرر شده است: «دولت‌ها مسئولیت اولیه ایجاد شرایط ملی و بین‌المللی مساعد برای تحقق حق بر توسعه را بر عهده دارند». علاوه بر این، از مواد ۳ و ۴ اعلامیه حق بر توسعه استفاده می‌شود که جامعه بین‌المللی، که مرکب از دولت‌های عضو این جامعه است، نیز وظیفه دارد برای تحقق این حق، اقدامات لازم را انجام دهد. (Bantekas, 2002, PP. 326-329; ) (Bunn, 2012: 331-336).

## ۲- تلقی توسعه به عنوان یک حق بشری با تحول در مفهوم حقوق بشر

حقوق بشر، مجموعه‌ای از امتیازات دارای مضمون و مفهوم والای انسانی است که انسان با صرف نظر از هرگونه وابستگی دینی، نژادی، جنسی، زبانی و مانند آن و حتی میزان قابلیت و صلاحیت فردی و بدون توجه به اوضاع و احوال متغیر اجتماعی از آن برخوردار است و به کرامت و شخصیت انسان ارتباط دارد و دولت متعهد به رعایت آن است (قربان‌نیا، ۱۳۸۷، ۳۶). بنابراین، حقوق بشر را باید مجموعه‌ای از حق‌ها و آزادی‌هایی دانست که رعایت آن‌ها لازمه انسان بودن است و همه انسان‌ها فارغ از هرگونه عوامل عارضی است از آن برخوردارند.

حقوق بشر در ابتدا اغلب در حقوق مدنی و سیاسی، همچون آزادی‌ها متجلی بود اما تحول و توسعه در مفهوم حقوق بشر، سبب شد که مقولات جدید و مصادیق دیگری نیز به حوزه مباحث حقوق بشر راه یابند. همین امر باعث شد موضوع «نسل‌های حقوق بشر» مطرح گردد.



حقوق بشر مطرح در نظام‌های حقوق اساسی و اسناد بین‌المللی را می‌توان به سه نسل یا گروه عمده تقسیم بندی نمود: نسل اول حقوق، حقوق مدنی و سیاسی است؛ نسل دوم حقوق، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نسل سوم حقوق را حقوق همبستگی نام نهاده‌اند (نک: هاشمی ۱۳۸۸، ۲۰۷).

نظریه نسل‌ها و نسل‌بندی حقوق بشر، اولین بار توسط «کارل واساک»<sup>۱</sup> مطرح گردید. وی به جامعیت نظام حقوق بشر که آن را ملهم از شعارهای انقلاب فرانسه یعنی «آزادی»،<sup>۲</sup> «برابری»<sup>۳</sup> و «برادری»<sup>۴</sup> می‌دانست معتقد بود و همین مفاهیم باعث شد تا او نظریه نسل‌های حقوق بشر را ارائه نماید. در واقع، تقسیم‌بندی حقوق بشر به سه نسل، الهام گرفته از سه اصل اساسی و بنیادین حاکم بر انقلاب کبیر فرانسه تحت عناوین «آزادی»، «برابری» و «برادری» است (نقل از: مصفا، ۱۳۸۳، ۸). از همین رو، به حقوق نسل اول، «حقوق آزادی» و به حقوق نسل دوم، «حقوق برابری» و به حقوق نسل سوم، «حقوق برادری» نیز گفته می‌شود.

این عناوین سه‌گانه، در «اعلامیه جهانی حقوق بشر»<sup>۵</sup> نیز مورد عنایت قرار گرفته است. این اعلامیه در ماده ۱ ابتدا به «حق آزادی» انسان‌ها اشاره می‌کند و مقرر می‌دارد: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند...» و سپس به «حق برابری» همه انسان‌ها می‌پردازد و بیان می‌کند: «... و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند...» و در نهایت به «حق برادری» پرداخته و اشعار می‌دارد: «...همه دارای عقل و وجدان می‌باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند».

همان‌گونه که بیان شد، حقوق بشر در ابتدا تقریباً منحصر به «حقوق مدنی و سیاسی»<sup>۶</sup> یعنی حقوق آزادی‌ها بوده است که امروزه در مباحث حقوق بشری از آن تحت عنوان «نسل اول»<sup>۷</sup> یاد می‌شود. این حقوق، به طور عمده به دنبال حمایت از اصل اختیار و استقلال شهروندان بوده و عمدتاً از جنس حق‌های سلبی‌اند که نباید در مقابل اجرای آن‌ها توسط صاحبان حق، مانع ایجاد کرد (راسخ، ۱۳۸۱، ۱۶ و ۱۵۸). به عبارت دیگر، این حق‌ها، دولت‌ها را می‌دارند تا از دخالت

1- Karel Vasak.

2- Liberty.

3- Equality.

4- Fraternity.

5- Universal Declaration of Human Rights (10 December 1948).

6- Civil and Political Rights.

7- First Generation.

در آزادی‌های افراد خودداری نمایند؛ به همین جهت، از آن به حقوق بشر «منفی»<sup>۱</sup> تعبیر می‌شود (تاموشات، ۱۳۸۶، ۱۰۱؛ دانلی، ۱۳۸۰، ۸۲).

حقوق «نسل دوم»<sup>۲</sup>، «حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»<sup>۳</sup> هستند که به حقوق برابری نیز مشهور هستند (کاسسه، ۱۳۷۰، ۳۴۳). در این حقوق، چیزی بیش از صرف حمایت از آزادی و حاکمیت شخصی افراد در میان است و به عقیده مدافعین نسل دوم، حمایت واقعی از آزادی و حاکمیت افراد بر سرنوشت خود، بدون ایجاد و استمرار حقوق نسل دوم ممکن نیست. برخی از این حقوق، به «حقوق رفاهی»<sup>۴</sup> تعبیر می‌کنند (نقل از: راسخ، ۱۳۸۱، ۱۶). حق‌های اجتماعی و اقتصادی به طور عمده از جنس حق‌های ایجابی هستند که تحقق آن‌ها منوط به فراهم آمدن یک سری شرایط و امکانات است و در واقع باید اقدام مثبتی در جهت تحقق آن‌ها انجام پذیرد (نقل از: همان، ۱۵۸). برخی از حقوق نسل دوم به حقوق بشر «مثبت»<sup>۵</sup> نیز تعبیر کرده‌اند (تاموشات، ۱۳۸۶، ۱۰۱؛ دانلی، ۱۳۸۰، ۸۲).

در کنار این دو نسل از حقوق، از حق‌های «نسل سوم»<sup>۶</sup> نیز یاد می‌شود که به این دسته از «حقوق همبستگی»<sup>۷</sup> گفته می‌شود (تاموشات، ۱۳۸۶، ۱۳۸).

وجود نسل‌های متعدد حقوق بشر برای شخص یا موضوع واحدی به نام انسان، نقش مؤثری در همبستگی بین‌المللی برای حمایت از حقوق بشر دارد. برشمردن سه نسل حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نهایتاً حقوق همبستگی در عصر جهان‌گرایی موجب پیوند بین بانیان و طرفداران هر سه نسل گردیده است، به نحوی که رعایت هر یک، تضمین دیگری را سبب خواهد شد (ذاکریان، ۱۳۷۹، ۱۳۴-۱۳۳).

جامعه بین‌المللی هم‌اکنون به این اجماع دست یافته است که نسل‌های مختلف حقوق بشر با یکدیگر ارتباط متقابل دارند و از هم تفکیک ناپذیرند. این امر خود موجب پدیدار شدن نسلی یکپارچه از نسل‌های مختلف حقوق بشر می‌شود که به آن «نسل هزاره جدید حقوق بشر»<sup>۸</sup> گویند

1- Negative.

2- Second Generation.

3- Economic, Social and Cultural Rights.

4- Welfare Rights.

5- Positive.

6- Third Generation.

7- Solidarity Rights.

8- New Millennium Generation Human Rights.

(ذاکریان، ۱۳۷۹، ۱۲۹). بازتاب این امر در گزارش دبیر کل پیشین سازمان ملل به اعضای این سازمان (غالی، ۱۹۹۲، ۵ و ۲)، تحت عنوان «دستور کاری برای صلح»<sup>۱</sup> و «اعلامیه هزاره سازمان ملل»<sup>۲</sup> نیز آمده است (سازمان ملل متحد، ۱۳۸۳، ۱۱-۴).

توجه به این مطلب لازم است که بر خلاف دیدگاه برخی که تصور سه نسل از حقوق بشر را اشتباه و خطرناک می‌پندارند و اعتقاد دارند که این امر موجب ایجاد فاصله بین حقوق مدنی، سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با توسعه و محیط زیست می‌گردد (در این باره نک: مسائلی، ۱۳۷۱، ۱۷۱)، باید گفت که برشمردن سه نسل حقوق بشر و تأکید کمیساریای عالی حقوق بشر، کنفرانس جهانی حقوق بشر، منشور ملل متحد و دبیر کل سازمان و اعضای سازمان در کنفرانس هزاره جدید سازمان ملل بر جهانی بودن، وابسته بودن و همبسته بودن حقوق بشر موجب می‌شود تا طیف‌های مختلف فرهنگی جهان که به یک نسل از حقوق بشر اعتقاد دارند، به دیگر نسل‌ها نیز توجه کرده و این غلقه و پیوند، به حمایت همه جانبه از حقوق بشر منتهی گردد. بنابراین، در مجموع می‌توان گفت که، بازتاب پدید آمدن نسل سوم حقوق بشر، ایجاد علقه و ارتباط با نسل‌های اول و دوم این حقوق است (ذاکریان، ۱۳۷۹، ۱۳۱).

بنابراین می‌توان گفت که ظهور سه نسل برای حقوق بشر، هنجارهای مورد قبول حقوق بشر در نظام بین‌المللی را دارای سه ویژگی عمده کرده است که می‌توان آن‌ها را جهانی بودن، غیر قابل تفکیک بودن و وابستگی متقابل داشتن، بیان کرد (نک: وکیل و عسکری، ۱۳۸۳، ۱۵).

نظر به اهمیت و جایگاه محوری توسعه به عنوان یک حق بشری در حقوق همبستگی، این موضوع در قسمت بعد به صورت مستقل مورد بحث قرار می‌گیرد.

### ۳- نقش حقوق همبستگی در تقویت و ارتقای حقوق بشر

همان‌گونه که بیان شد حقوق بشر در یک قرن اخیر شاهد تحولات فراوانی بوده است و یک سیر تکاملی را طی کرده و توسعه و پیشرفت‌های چشمگیری داشته است. تصویب اسناد متعدد حقوق بشری نشان‌گر همین پیشرفت‌ها و بیان‌گر اقدامات مؤثر جامعه بین‌المللی در جهت پیشبرد و تحقق حقوق و آزادی‌های انسانی است. نتیجه این تحولات در شرایط و اوضاع و احوال

1- An Agenda for Peace (1992).

2- United Nations Millennium Declaration (2000).

کنونی، تولد و تکوین نسل جدیدی از حقوق بشر، تحت عنوان «نسل سوم»<sup>۱</sup> است که به آن «حقوق همبستگی» می‌گویند. این حقوق نه جایگزین حقوق بشر موجود در جامعه جهانی می‌شود و نه به آن وابسته است، بلکه شناسایی این حقوق به منزله پاسخی است که جامعه بین‌المللی در برخورد با نیازها و اوضاع و احوال متحول و متغیر زمانه، به آن نیازمند است (پارسا، ۱۳۷۷، ۱۳۱).

دستیابی به تحقق همگانی حقوق بشر، به ترتیبی که با فرصت‌ها و واقعیت‌های عصر حاضر مطابقت داشته باشد، مستلزم رویکردهای نوینی است که منافع همه افراد بشر را، اعم از کسانی که در کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه زندگی می‌کنند، مورد توجه قرار دهد. جامعه جهانی به این نیاز بشری واقف است که می‌باید در اجرای اصول آن بکوشد. بنابراین، دستیابی به همه حقوق برای همه مردم جهان در همه کشورها در قرن بیست و یکم، مستلزم اقدامات و تعهد گروه‌های عمده همه جوامع، اعم از سازمان‌های غیردولتی و دولتی است که می‌بایست با اقدامات نیرومند بین‌المللی به ویژه در پشتیبانی از مردم و کشورهای محروم و جبران نابرابری‌ها و حاشیه نشینی‌های جهانی فزاینده، تحقق همگانی حقوق بشر و توسعه انسانی را امکان‌پذیر گردانند (نک: مصفا، ۱۳۸۳، ۱۰).

از این رو، حقوق همبستگی نماد مناسبی برای تحقق حقوق بشر برای همه انسان‌هاست. درجه‌ای از همبستگی میان انسان‌ها با علایق مشترک، این امکان را فراهم می‌سازد که همگان از حقوق بشر لذت ببرند. حقوق همبستگی را می‌توان حاصل کوشش‌های فراوانی دانست که در طول تاریخ برای شناخت انسان و نیازهای او صورت گرفته است. نیازهایی که نه تنها نسل حاضر، بلکه نسل‌های آینده را نیز مورد توجه قرار می‌دهد (همان، ۸).

به عبارت دیگر، حقوق همبستگی در برگیرنده حقوقی است که رعایت آن‌ها به تحقق توسعه انسانی در همه ابعاد می‌انجامد. این حقوق به نیازهای مردم جهان ماهیتی جمعی می‌بخشد که در سایه آن همه افراد بشر می‌توانند به زندگی با کرامت و حیثیت انسانی ادامه دهند. حقوق بشر بیان‌گر عمیق‌ترین تعهدات جامعه انسانی به تأمین امنیت همه افراد در بهره‌گیری از کالاها و آزادی‌هایی است که لازمه یک زندگی عزت‌مندانه است و در شرایطی که انسان‌های بی‌شماری

از حقوق توسعه محروم و یک میلیارد نفر با روزی کم‌تر از یک دلار زندگی می‌کنند، تحقق حق بر توسعه و دیگر حقوق همبستگی، در غایت رعایت حقوق بشر برای همگان است (همان، ۱۰).

البته به غیر از عنوان حقوق همبستگی، عناوین دیگری برای این نسل از حقوق مطرح شده است که از جمله می‌توان به «حقوق برادری» (انصاری، ۱۳۹۰، ۲۳)، «حقوق مردم» (راسخ، ۱۳۸۱، ۱۶؛ ایر، ۱۳۸۷، ۶۱)، «حقوق ملت‌ها» (کاسسه، ۱۳۷۰، ۳۵۴؛ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها مصوب ۱۹۸۱)،<sup>۱</sup> «حقوق بشریت» (فلسفی، ۱۳۸۱-۱۳۸۰، ۶۱) و «حقوق جمعی» (ذاکریان، ۱۳۷۹، ۱۲۸؛ قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۲، ۷) اشاره کرد.

پیش‌ترح سومین میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی، مصادیق و مقولات حقوق همبستگی را به چهار دسته تقسیم می‌کند که عبارتند از «حق بر صلح»،<sup>۲</sup> «حق بر توسعه»،<sup>۳</sup> «حق بر محیط زیست»<sup>۴</sup> و «حق بر میراث مشترک بشریت».<sup>۵</sup> در مقدمه پیش‌ترح میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی آمده است: «دولت‌های عضو میثاق حاضر، با توجه به این که صلح، توسعه، محیط زیست و میراث مشترک بشریت، از این به بعد ارزش‌هایی جهانی هستند که مورد شناسایی کلیه انسان‌ها، اقوام و ملت‌ها قرار گرفته‌اند و با نظر به این که شایسته است حقوق مربوط به آن‌ها به عنوان حقوق بشر شناسایی، حمایت و تحقق یابند، و با توجه به این که منشور سازمان ملل متحد دولت‌ها را ملزم به همکاری بین‌المللی از طریق توسعه و تشویق به رعایت حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین برای همه بدون تبعیض از نظر نژاد، جنسیت، زبان و مذهب می‌نماید، و با توجه به این که این هم‌کاری بین‌المللی در خصوص حقوق بشر بر صلح، توسعه، محیط زیست و میراث مشترک بشریت دارای اهمیت اساسی است، زیرا تحقق آن‌ها جز از طریق الحاق کوشش‌های همبسته (متفق) همه دولت‌ها، افراد و دیگر اشخاص عمومی و خصوصی میسر نیست، در موارد ذیل به توافق می‌رسند...» (برای ملاحظه این سند نک: موسوی، ۱۳۸۰، ۳۷۰-۳۶۸).

1- African charter on Human and Peoples Rights (1981).  
 2- Right to peace.  
 3- Right to Development.  
 4- Right to Environment.  
 5- Right to Common Heritage of Mankind.

#### ۴- آثار رویکرد حق محور به توسعه در تحقق سایر حقوق بشر

با نگاهی به مباحث پیش گفته معلوم می‌شود هرچند تلقی توسعه به عنوان یک حق بشری به خودی خود، امری مهم و حایز اهمیت است اما آنچه اهمیت این مسئله را دوچندان کرده است، ظرفیت و قابلیت حق بر توسعه در فعلیت بخشیدن به سایر حقوق بشر و تحقق آن است. در این قسمت از چند منظر به این بحث می‌پردازیم.

#### ۴-۱- بررسی دیدگاه حقوق دانان و صاحب نظران بین المللی

برخی از حقوق دانان مطرح بین المللی، هم چون محمد بجاوی قاضی و رییس پیشین دیوان بین المللی دادگستری، حق بر توسعه را «حقی بنیادین»<sup>۱</sup> می‌دانند که آغاز و انجام حقوق بشر، اولین و آخرین حق و وسیله و هدف حقوق بشر قلمداد می‌گردد؛ به گونه‌ای که سایر حقوق از آن ناشی می‌گردد. بر این اساس، تحقق سایر حقوق بشر بدون حق بر توسعه، امکان پذیر نخواهد بود. محمد بجاوی در توصیف حق بر توسعه از این هم بالاتر رفته و آن را یک «قاعده آمره»<sup>۲</sup> محسوب می‌کند. او از طریق قیاس، به این نتیجه می‌رسد که چون حق بر توسعه، مبتنی بر حق حیات و حق تعیین سرنوشت است و این دو حق از قواعد آمره محسوب می‌گردند، لذا حق بر توسعه نیز که مبتنی بر آن‌ها می‌باشد، خصیصه آمره خواهد داشت (نقل از: شایگان، ۱۳۸۸، ۷۴).

کوفی عنان دبیرکل وقت سازمان ملل متحد نیز، به مناسبت پنجاهمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۹۸، در سخنرانی خود در دانشگاه تهران به نقش توسعه به عنوان یک حق بشری در ارتقا و اعتلای حقوق بشر اشاره و اظهار می‌دارد: «در هر نقطه از جهان، سازمان ملل متحد دست اندرکار تأمین شرایط اساسی برای حیات بشر یعنی صلح، توسعه، محیط زیست سالم، غذا، سرپناه مناسب و فرصت‌های فزاینده است». ایشان هم چنین تأکید می‌کند که «فعالیت‌های سازمان ملل در زمینه صلح و توسعه به طور فزاینده‌ای حقوق بشر را در رأس امور قرار داده است. این فعالیت‌ها همه انواع حقوق بشر را از حقوق مدنی و سیاسی گرفته تا حقوق اقتصادی و اجتماعی در بر می‌گیرد». وی ادامه می‌دهد: «حق بر توسعه، حقی جهانی، انکارناپذیر و از سایر

1- Fundamental Right.

2- Jus Cogens.

حقوق جدانشدنی است؛ این حق در واقع میزانی برای احترام نسبت به سایر حقوق بشر است» (عنان، ۱۳۷۶، ۲۰۴-۱۹۱).

خانم «مری رابینسون»<sup>۱</sup>، کمیسر عالی سابق حقوق بشر سازمان ملل متحد در همین باره می‌گوید: «از زمان فعالیت در کمیساریای عالی حقوق بشر، بر ضرورت پیروی از روندی متعادل در زمینه حقوق بشر اصرار ورزیده‌ام؛ بدین معنی که باید توجه یک‌سانی به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و به حقوق توسعه یا حقوق مدنی و سیاسی داشته باشیم؛ چرا که حقوق بشر و توسعه در ارتباط و تعامل با یکدیگرند» (نقل از: ذاکریان، ۱۳۷۹، ۱۳۲).

#### ۴-۲- بررسی دیدگاه نهادها و کنفرانس‌های بین‌المللی

موضوع حق بر توسعه و تأکید بر نقش آن در تحقق سایر حقوق بشر در نهادها و کنفرانس‌های متعدد بین‌المللی مطرح شده است. شرکت کنندگان در کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر ملل متحد که در سال ۱۹۶۸ در تهران برگزار شد، مطرح گردید و تدوین کنندگان اعلامیه این کنفرانس، بر رابطه عمیق بین تحقق حقوق بشر و توسعه اقتصادی تأکید کردند (See: Steiner and Alston, 1996, PP. 1117-1121).

یک سال بعد، کمیسیون حقوق بشر اعلام کرد که برخورداری حیاتی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است، به‌طور قابل توجهی بستگی به توسعه سریع اقتصادی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه که بیش از نیمی از جمعیت جهان را در خود جا داده‌اند، دارد.

در ادامه اقدامات سازمان ملل در این باره، باید به توصیه‌نامه‌های کارگروه کمیسیون حقوق بشر در سال ۱۹۸۹ اشاره کرد. کمیسیون در آن سال، از دبیرکل دعوت می‌کند یک هیأت مشورتی جهانی، برای تحقق حق بر توسعه به عنوان پیش‌زمینه حقوق بشر تشکیل دهد (See: U.N. Documents, E/CN. 4/Res/45, 1989).

بی‌تردید کنفرانس جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۹۳ در وین تشکیل گردید را باید یکی از مهم‌ترین کنفرانس‌ها در زمینه حقوق بشر محسوب نمود. شاید بتوان مهم‌ترین دستاورد این کنفرانس را اجماع جهانی و تأکید دو باره نسبت به شناسایی حق بر توسعه به عنوان حقی

1- Mary Rabinson.

جدایی‌ناپذیر از سایر حقوق بشر دانست. این کنفرانس همچنین تأکید کرد که حق بر توسعه، بهره‌مندی از تمام حقوق بشر را تسهیل می‌کند؛ با این حال، فقدان توسعه، نباید توجیه‌کننده نقض حقوق به رسمیت شناخته شده برای بشر باشد (نک: سازمان ملل متحد، ۱۳۷۶).

#### ۴-۳- بررسی دیدگاه اسناد و قواعد بین‌المللی

اعلامیه جهانی حقوق بشر، اولین سند عام حقوق بشری است. در بند ۱ ماده ۲۵ بر حق برخورداری از سطح زندگی مناسب و شرایط زندگی آبرومندانه برای افراد تأکید کرده است. هر چند در این اعلامیه نامی از حق بر توسعه به میان نیامده است، اما روشن است که احترام به حقوق بشر و برخورداری از سطح زندگی مناسب و آبرومندانه برای افراد، که در این اعلامیه آمده است، در گرو تحقق شرایط توسعه و پیشرفت است.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به عنوان یک سند لازم‌الاجرای حقوق بشری، در مقدمه خود با بیان این که «بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر، کمال مطلوب انسان آزاد رهایی یافته از ترس و فقر، فقط در صورتی حاصل می‌شود که شرایط تمتع هر کس از حقوق مدنی و سیاسی خود و همچنین از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی او ایجاد شود»، دست‌یابی به توسعه و رهایی از فقر در پرتو تحقق سایر حقوق شناخته شده برای بشر را کمال مطلوب انسان می‌داند که بی‌تردید تحقق این امور، از طریق بهره‌مندی انسان از حق بر توسعه عملی خواهد شد.

از دیگر اسنادی که توسعه و حق بر توسعه را زمینه‌ساز تحقق حقوق بشر می‌داند، اعلامیه کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر تهران است. در مواد ۱۲ تا ۱۴ اعلامیه تهران آمده است که بسیاری از ابنای بشر در وضعیت فقر، بیماری و بی‌سوادی زندگی می‌کنند و یک شکاف بزرگ میان استانداردهای زندگی در کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه وجود دارد که با وجود چنین شکافی، برخورداری جهانی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی یک امید بیهوده خواهد بود. ماده ۱۲ این اعلامیه، شکاف اقتصادی بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را یکی از موانع تحقق کامل حقوق بشر اعلام و مقرر می‌دارد که شکاف روز افزون موجود بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه از نظر اقتصادی، مانع تحقق حقوق بشر در جامعه بین‌المللی می‌شود. ناکامی دهه توسعه در نیل به هدف‌های محدودی که داشته به مراتب بر ضرورت این امر که هر کشوری به تناسب امکانات خود، بیشترین تلاش‌های ممکن را برای از میان برداشتن این فاصله مبذول دارد، می‌افزاید.



ماده ۱۳ این اعلامیه نیز به بیان ارتباط حقوق نسل اول و دوم و نیز توسعه پایدار پرداخته و مقرر می‌دارد از آنجا که حقوق و آزادی‌های اساسی بشر غیر قابل تفکیک‌اند، تحقق کامل حقوق مدنی و سیاسی، بدون بهره‌مندی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی امکان پذیر نیست. تأمین توسعه پایدار در زمینه اجرای حقوق بشر، وابستگی تام به اتخاذ سیاست‌های ملی و بین‌المللی صحیح و مؤثر در زمینه توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد» (برای ملاحظه این اعلامیه نک: کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو، ۱۳۸۱، ج ۱، ۱۳۱-۱۲۷).

سند دیگر در این باره، اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین و طرح اجرایی آن مصوب سال ۱۹۹۳ است. در این سند بر وابستگی و تأثیر متقابل حق بر توسعه و سایر حقوق بشر اشاره و در بند پنجم از بخش یکم این اعلامیه، در خصوص پیوند میان نسل‌های مختلف حقوق بشر آمده است: «تمام انواع حقوق بشر، جهان‌شمول و تقسیم‌ناپذیرند و با هم وابستگی متقابل و ارتباط تنگاتنگ دارند» و در بند هشتم از همان بخش تأکید می‌کند: «دموکراسی، توسعه و رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی با هم وابستگی متقابل دارند و یکدیگر را تحکیم می‌کنند» (See: United Nations, 1995, PP. 25-45).

آنچه از این عبارات استفاده می‌شود این است که اعلامیه وین، موضوع پیوند میان توسعه با دموکراسی و حقوق مدنی و سیاسی و همین‌طور حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را مورد تأیید قرار داده و ضمن این که برای تمامی این حقوق اهمیتی یکسان قائل شده، تحقق حق‌هایی همچون آزادی و دموکراسی را منوط به تحقق توسعه و پیشرفت می‌داند.

«اعلامیه حق بر توسعه»<sup>۱</sup> که در ۴ دسامبر ۱۹۸۶ و در قالب قطعنامه ۴۱/۱۲۸ مجمع عمومی به تصویب رسیده است، به عنوان مهم‌ترین سند بین‌المللی در زمینه حق بر توسعه، ضمن این که توسعه را یک حق غیر قابل انکار انسانی تلقی می‌داند، به صراحت بیان می‌کند که تحقق کلیه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی از طریق آن امکان‌پذیر است. از دیدگاه این اعلامیه، توسعه فرآیندی است که در آن حقوق بشر تحقق می‌یابد و تحقق حقوق بشر هدف توسعه است.

تدوین کنندگان اعلامیه حق بر توسعه در مقدمه این اعلامیه، با ابراز نگرانی از وجود موانع جدی بر سر راه توسعه و همچنین بهره‌مندی کامل انسان‌ها، که از میان آن‌ها می‌توان به نادیده گرفتن

1- Declaration on the Right to Development, Adopted by General Assembly Resolution 41/128 of 4 dec, 1986.

حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم اشاره کرد و با بیان این که تمامی موضوعات حقوق بشر و آزادی‌های اساسی غیرقابل تفکیک بوده و در رابطه متقابل با یکدیگر قرار دارند، مقرر می‌دارند که به منظور ارتقای توسعه، باید توجه برابر و رسیدگی فوری به اجراء، ارتقا و حفاظت از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صورت پذیرد و از سوی دیگر، ارتقا، احترام و بهره‌مندی از بخش‌هایی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، نباید باعث توجیه نادیده گرفتن سایر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی شود.

نکته پایانی این مقدمه به ارتباط حقوق بشر و توسعه اشاره و با بیان اینکه تلاش‌ها در سطح بین‌المللی جهت ارتقا و حفاظت از حقوق بشر باید با تلاش جهت ایجاد یک نظم اقتصادی در سطح بین‌الملل همراه باشد، مقرر می‌دارد که حق بر توسعه از حقوق مسلم بشری بوده و بهره‌مندی از فرصت‌های برابر برای توسعه، از حقوق و امتیازات ویژه ملت‌ها و افرادی است که ملت‌ها را تشکیل می‌دهند.

مواد این اعلامیه نیز به بیان ویژگی‌های حق بر توسعه می‌پردازد. در بند ۱ ماده ۱، حق بر توسعه را از حقوق غیرقابل سلب بشری معرفی و نسبت آن را با سایر حقوق شناخته شده برای بشر بیان و مقرر می‌دارد: «حق بر توسعه یک حق غیرقابل سلب بشری است که بر اساس آن، هر فرد انسان و همه ملت‌ها، استحقاق مشارکت، سهمین شدن و بهره‌بردن از توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را در قالبی که همه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی قابلیت تحقق داشته باشد را دارند». در بند ۲ این ماده نیز آمده است: «حق بشر به توسعه، تحقق کامل حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خویش را نیز ایجاب می‌کند که با رعایت مقررات مرتبط در هر دو میثاق بین‌المللی حقوق بشر، اعمال حق غیرقابل سلب آن‌ها به حاکمیت کامل بر تمامی ثروت‌ها و منابع طبیعی خود را شامل می‌شود».

در بند ۲ ماده ۲ نیز بر نقش توسعه در احترام به حقوق بشر و برخورداری از آن اشاره و مقرر می‌دارد: «همه انسان‌ها به صورت انفرادی و جمعی، با در نظر گرفتن ضرورت احترام کامل به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی خود و با توجه به وظایف خود در قبال جامعه که تنها [مرجعی است] که می‌تواند شکوفایی کامل و آزاد انسان را تأمین نماید، برای توسعه مسؤولیت دارند، و از این رو، آن‌ها باید یک نظم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مناسب برای تسهیل توسعه را ترویج و حمایت نمایند» (See: Bantekas, 2002, PP. 326-329).

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

رویکرد حق محور به توسعه از دهه ۱۹۶۰ توسط کشورهای در حال توسعه مطرح گردید و حقوق‌دانان و صاحب‌نظران این کشورها کوشیدند تا جنبه‌های گوناگون این حق را تبیین نمایند. با این حال، اقدام مجمع عمومی سازمان ملل در تصویب «اعلامیه حق بر توسعه» در ۴ دسامبر ۱۹۸۶ را باید نقطه عطفی در رویکرد سازمان ملل و جامعه بین‌المللی در زمینه تلقی توسعه به عنوان یک حق بشری دانست. از آن زمان به بعد، در برخی دیگر از اسناد حقوق بشری نیز رویکرد حق محور به توسعه، به عنوان یک مسئله مهم مطرح گردیده و بر شناسایی توسعه به عنوان یک حق بشری تأکید و از آن به عنوان حقی جهان‌شمول و جزئی جدایی‌ناپذیر از حقوق اساسی بشر یاد شده است.

طرفداران رویکرد حق محور به توسعه، که طیف وسیعی از حقوق‌دانان، نهادها و اسناد بین‌المللی را شامل می‌شود بر این اعتقادند که علاوه بر این که توسعه یک حق غیر قابل انکار بشری تلقی می‌شود، زمینه تحقق کلیه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را نیز فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر، توسعه فرآیندی است که در آن تمام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تحقق می‌یابد؛ لذا در صورت فعلیت یافتن حق بر توسعه، باید شاهد تحقق دیگر حقوق شناخته شده برای بشر باشیم.

با این حال، مشکل اصلی این رویکرد آن است که قواعد اجرایی کافی آن را حمایت و پشتیبانی نمی‌کند و از ضمانت اجرای لازم برخوردار نیست؛ از همین رو، بحث‌های فراوانی در این باره که آیا می‌توان با رویکرد حق محور به توسعه، آن را در ردیف سایر حقوق به رسمیت شناخته شده برای بشر و مصداقی از حقوق بشر تلقی نمود یا نه، وجود داشته و دارد. تعداد زیادی از نظریه‌پردازان، نهادها و نیز اسناد حقوق بشری، بر تلقی توسعه به عنوان یکی از مصادیق حقوق اساسی بشری، توافق و آن را مورد حمایت قرار داده‌اند. بر این اساس، برخی معتقدند که پس از اجماع حاصل شده بین کشورها در مورد تلقی توسعه به عنوان یک حق، در اعلامیه کنفرانس ۱۹۹۳ وین و برنامه عمل آن که بعد از تصویب، در کنفرانس‌های پس از آن نیز مورد تأیید مجدد دولت‌ها قرار گرفته، این موضوع را باید پایان یافته دانست؛ زیرا باید میان شناسایی حق بر توسعه به عنوان یکی از حقوق بشری، که حقیقتی انکارناپذیر است، و ایجاد تعهدات الزام‌آور حقوقی مربوط به این حق، تفاوت قائل شد. این موضوع که یک ادعای به‌خصوص در حقوق

بین‌الملل جزء حقوق بشر محسوب می‌شود یا خیر، تابعی از این است که آیا کشورهای مختلف از طریق مجاری مربوطه چنین چیزی را پذیرفته‌اند یا خیر. اعلام مجمع عمومی سازمان ملل متحد می‌تواند یکی از این مجاری باشد.

بنابراین، اسناد متعدد بین‌المللی و نیز کنفرانس‌های جهانی که توسط سازمان ملل برگزار گردیده است، گفتمان حق بر توسعه را نه تنها در بعد اخلاقی آن تقویت کرده، بلکه امکان‌گذار از هنجار اخلاقی به هنجارهای حقوقی را نیز فراهم آورده است. در مجموع می‌توان گفت که حق بر توسعه به عنوان یک حق در حال تکوین است و ضمن این که تکالیف اخلاقی بر عهده دولت می‌گذارد، ولی تعهدات حقوقی به مفهومی که نقض آن‌ها مسئولیت برانگیز باشد را شکل نداده است. از این رو، جامعه بین‌المللی باید برای اجرایی کردن و تحقق حق بر توسعه، با هدف برخورداری نسل حاضر و نسل‌های آینده از یک زندگی مطلوب و شرافتمندانه، که در پرتو آن تمام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی انسان مورد احترام قرار گیرد، همکاری بین‌المللی را تقویت نموده و موانع موجود بر سر راه شناسایی توسعه به عنوان حقی بشری که قابل مطالبه و پیگیری باشد را از میان بردارد تا این حق بتواند نقش خود را به عنوان زمینه‌ساز اجرای سایر حقوق به رسمیت شناخته شده برای بشر ایفا نماید.

## منابع

- البوت، جنیفر (۱۳۷۸)، **مقدمه‌ای بر توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه**، ترجمه عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، حسین رحیمی، تهران: مؤسسه توسعه روستایی ایران.
- انصاری، باقر (۱۳۹۰)، «مبانی حقوق همبستگی»، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران**، دوره ۴۱، شماره ۴.
- ایر، کارین (۱۳۸۷)، «چه کسانی صاحبان فرهنگ ما هستند؟ مالکیت معنوی، حقوق بشر و جهانی شدن»، در: **تکوین حقوق بشر در عصر جهانی شدن**، ترجمه و تدوین مهدی ذاکریان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- تسون، فرناندو (۱۳۸۸)، **فلسفه حقوق بین‌الملل**، ترجمه محسن مجبی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- پارسا، علیرضا (۱۳۷۷)، «محیط زیست و حقوق بشر: بررسی حق برخورداری از محیط زیست سالم و شایسته به عنوان حقی بشری»، **اطلاعات سیاسی اقتصادی**، سال سیزدهم، شماره ۱۳۶-۱۳۵.
- **پیش طرح میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی** (۱۹۸۲).

- تاموشات، کریستیان (۱۳۸۶)، **حقوق بشر**، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، تهران: نشر میزان.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۶)، **توسعه اقتصادی در جهان سوم**، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- حبیبی مجنده، محمد (۱۳۷۵-۱۳۷۴)، «مبانی فلسفی حقوق بشر»، (ترجمه و تحقیق)، **مجله نامه مفید**، شماره ۲۲.
- خلیلیان اشکذری، محمدجمال (۱۳۸۳)، **فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی: بررسی سازگاری و ناسازگاری**، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- دانلی، جک (۱۳۸۰)، «نظریه‌های حقوق بشر»، **حقوق بشر، نظریه‌ها و رویه‌ها**، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ذاکریان، مهدی (۱۳۷۹)، «فرایند یکپارچگی نسل‌های حقوق بشر»، **اطلاعات سیاسی اقتصادی**، سال پانزدهم، شماره ۱۵۷-۱۵۸.
- ذاکریان، مهدی (۱۳۸۱)، **حقوق بشر در هزاره جدید**، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- راسخ، محمد (تألیف و ترجمه)، (۱۳۸۱)، **حق و مصلحت**، تهران: انتشارات طرح نو.
- سازمان ملل متحد (۱۳۷۶)، **کنفرانس جهانی حقوق بشر**، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- سازمان ملل متحد (۱۳۸۳)، **اعلامیه هزاره ملل متحد**، تهران: مرکز اطلاعات سازمان ملل.
- سنگوپتا، آرجون (۱۳۸۳)، «حق توسعه در نظریه و عمل»، ترجمه منوچهر توسلی جهرمی، **مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی**، شماره ۳۰.
- شایگان، فریده (۱۳۸۸)، **حق توسعه**، تهران: نشر گرایش.
- شریفی طراز کوهی، حسین (۱۳۸۰)، **حقوق بشر، نظریه‌ها و رویه‌ها**، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- شستاک، جروم. ج. (۱۳۸۰)، «بنیان‌های فلسفی حقوق بشر»، **حقوق بشر، نظریه‌ها و رویه‌ها**، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- صلح‌چی، محمدعلی و درگاهی، رامین (۱۳۹۲)، «بررسی ماهیت حقوق همبستگی: حقوق جمعی یا مردمی»، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**، سال پانزدهم، شماره ۴۱.
- عنان، کوفی (۱۳۷۶)، «حضور [سخنرانی] دبیرکل سازمان ملل در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران»، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران**، شماره ۳۸.
- غالی، پطرس (۱۹۹۲م)، **دستور کاری برای صلح**، تهران: مرکز اطلاعات سازمان ملل.
- فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۸۱-۱۳۸۰)، «حق، صلح و منزلت انسانی، تأملاتی در مفاهیم قاعده حقوقی، ارزش اخلاقی و بشریت»، **مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی**،

شماره ۲۸-۲۷.

- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۰)، «تحلیل مفاهیم کلیدی حقوق بشر معاصر»، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۳۳-۳۴.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۲)، «معاهدات حقوق بشری؛ فضایی متفاوت»، **مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی**، شماره ۲۸.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۹۰)، **حقوق بشر در جهان معاصر**، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- قربان‌نیا، ناصر (۱۳۷۸)، **اخلاق و حقوق بین‌الملل**، تهران: انتشارات سمت و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قربان‌نیا، ناصر (۱۳۸۷)، **حقوق بشر و حقوق بشردوستانه**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قربان‌نیا، ناصر (۱۳۷۳)، **اقتصاد رشد و توسعه**، تهران: نشر نی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، **مبانی حقوق عمومی**، تهران: نشر دادگستر.
- کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو (۱۳۸۱)، **اسناد بین‌المللی حقوق بشر**، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۱)، **مقدمه علم حقوق**، تهران: شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا.
- کاسسه، آنتونیو (۱۳۷۰)، **حقوق بین‌الملل در جهانی نامتحد**، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران: دفتر خدمات حقوقی و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.
- گل‌دینگ، مارتین پی. (۱۳۷۸)، «مفهوم حق: در آمدی تاریخی»، ترجمه محمد راسخ، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۲۶-۲۵.
- محبی، محسن (۱۳۸۰)، «حل و فصل مناقشات در حقوق بشر در هزاره سوم»، **مجموعه مقالات همایش بین‌المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن‌ها**، قم: دانشگاه مفید.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۷۵)، «تدوین حقوق بشردوستانه بین‌المللی و مفهوم اسلامی آن»، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۱۸.
- مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۷۴)، **مبانی و کلیات علم حقوق**، تهران: نشر همراه.
- مسائلی، محمود (۱۳۷۱)، «نسل جدید حقوق بشر»، **مجله سیاست خارجی**، سال ششم، شماره ۱.
- مصفا، نسرین (۱۳۸۳)، «مقدمه خانم دکتر نسرین مصفا بر کتاب»، وکیل، امیرساعده و عسکری، پوریا، **نسل سوم حقوق بشر**، تهران: انتشارات مجد.
- موثقی، سیداحمد (۱۳۸۳)، «توسعه؛ سیر تحول مفهومی و نظری»، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران**، شماره ۶۳.
- موسوی، سیدفضل‌الله (۱۳۸۰)، **حقوق بین‌الملل محیط زیست**، تهران: نشر میزان.

- مولایی، یوسف (۱۳۸۹)، «حق توسعه از ادعای سیاسی تا مطالبه حقوقی»، فصل‌نامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۰، شماره ۴.
- مولایی، یوسف (۱۳۸۱)، «حق توسعه و جهان شمولی حقوق بشر»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۵۶.
- میسرا، پراساد (۱۳۶۶)، «برداشتی نو از مسائل توسعه»، ترجمه حمید فراهنی‌راد، گزیده مسائل اقتصادی اجتماعی، تهران: سازمان برنامه و بودجه، شماره ۴۶.
- نراقی، یوسف (۱۳۷۸)، «توسعه و کشورهای توسعه نیافته»، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- نظریور، محمدنقی (۱۳۷۸)، «ارزش‌ها و توسعه؛ بررسی موردی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- وکیل، امیرساعت و عسکری پوریا (۱۳۸۳)، «نسل سوم حقوق بشر»، تهران: انتشارات مجد.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۸)، «حقوق اقتصادی و اجتماعی بشر از تئوری تا عمل»، کمیسیون حقوق بشر اسلامی، حقوق بشر در جهان معاصر؛ دغدغه‌ها و دیدگاه‌های حقوق‌دانان و فقهای اسلامی، تهران: انتشارات آیین احمد.

- **African charter on Human and Peoples Rights**, (1981).
- **An Agenda for Peace**, (1992).
- Bantekas, Ilias, (ed), (2002), **Public International Law Statutes**, London: Univesity of Westminster.
- Brownlie, Ian and Gill, Guy S. Goodwin- (ed), (2006), **Basic Documents on Human Rights**, Oxford: Oxford Univesity Press.
- Brownlie, Ian, (ed), (1995), **Basic Documents in International Law**, Oxford: Clarendon Press.
- Bunn, D Isabella (2012), **The Right to Development and International Economic Law; Legal and Moral Dimensions**, Oxford, Hart Publishing.
- **Declaration on The Right to Development**, Adopted by UN General Assembly Resolution No. 41/128 of 4 December (1986).
- **International Covenant on Civil and Political Rights**, (1966).
- **International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights**, (1966).
- Steiner, Henry J. and Alston, Philip, (1996), **International Human Rights in Context**, Oxford: Clarendon Press.
- **The Vienna Declaration and Program of Action**, (1993).
- **U.N. Documents, A/45/Res/155**, Dec (1990).
- **U.N. Documents, E/CN. 4/Res/45**, (1989).
- **United Nations Millennium Declaration**, (2000).
- United Nations, (1995), **World Conference on Human Rights**, New York: U.N, Department of Public Information.
- **Universal Declaration of Human Rights**, (1948).